

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: پروفسور جیمز پتراس
برگردان از: آمادور نویدی
۱۲ دسمبر ۲۰۱۷

لیست دشمنان امریکا

دشمنان امریکا: چه کشورهایی در لیست اند؟

چشم اندازها و پیش‌بینی‌ها



پروفسور جیمز پتراس

امریکا برای تقریباً دو دهه است، که لیستی از «کشورهای دشمن» را جهت مقابله، حمله، تضعیف و سرنگونی دنبال کرده است.

این تلاش امپریالیستی جهت سرنگونی «کشورهای دشمن» در سطوح مختلف از شدت، که متکی بر دو تفکر می باشد، عمل کرده است: درجه اولویت و میزان آسیب پذیری جهت عملیات «تغییر رژیم». تمرکز این مقاله بر ضوابط تعیین «کشور دشمن» و جایگاه آن در لیست اهداف برتر در تلاش امریکا جهت سلطه جهانی بیش‌تر، همچنین آسیب پذیری آن جهت یک تغییر رژیم «موفقیت آمیز» است. ما با بحث، چشم انداز واقعی گزینه های امپریالیستی آینده را نتیجه گیری می‌نمائیم.

دشمنان درجه یک (با اولویت بالا) امریکا

ستراتژیست‌های امپریالیستی جهت تشخیص دشمنان درجه یک، معیارهای نظامی، اقتصادی و سیاسی را در نظر می‌گیرند.

کشورهای زیر به ترتیب در اولویت «لیست دشمنان» امریکا قرار دارند:

(۱) - **روسیه**، بدین دلیل که قدرت نظامی آن، در برابر سلطه جهانی امریکا، دارای یک وزن متعادل هسته‌ئی است. دارای یک نیروی عظیم مسلح و بخوبی مجهز شده است که در اروپا، آسیا و خاورمیانه حضور دارد. دارای منابع گاز و نفت جهانی ست که از تهدید اقتصادی امریکا محفوظ است و ائتلافات ژئوپولیتیک رو به رشد آن مانع گسترش امریکاست.

(۲) - **چین**، به دلیل قدرت اقتصادی جهانی و آزادی عمل رو به رشد در تجارت، سرمایه‌گذاری و شبکه‌های فن آوری خود. توانائی نظامی دفاعی رو به تزاید چین، به ویژه با توجه به حفاظت از منافع خود در بحیره جنوبی چین که جهت مقابله با برتری امریکا در آسیاست.

(۳) - **کوریای شمالی (جمهوری دموکراتیک خلق کوریا)**، به دلیل توانائی هسته‌ئی و موشک‌های بالیستیکی، سیاست‌های مستقل خارجی قوی و موقعیت ژئوپولیتیک ستراتیژیک خود، به عنوان تهدیدی برای پایگاه‌های نظامی امریکا در آسیا و متحدان و نیابتی‌های منطقه‌ئی واشنگتن به شمار می‌آید.

(۴) - **ونزوئلا**، به دلیل منابع نفتی و سیاست‌های اجتماعی - سیاسی خود، مدل نئو- لیبرال امریکامحور را در امریکای لاتین به نبرد فرا می‌خواند.

(۵) - **ایران**، به دلیل منابع نفتی، استقلال سیاسی و ائتلافات ژئوپولیتیک خود در خاورمیانه، سلطه منطقه‌ئی امریکا، اسرائیل و عربستان سعودی را زیر سؤال می‌برد و نشان‌گر آلترناتیوی مستقل است.

(۶) - **سوریه**، به دلیل موقعیت ستراتیژیک خود در خاورمیانه، حزب حاکم ملی گرای سکولار و ائتلافات خود با ایران، فلسطین، عراق و روسیه، وزنه متعادلی علیه طرح‌های امریکا و اسرائیل جهت بالکانیزه کردن خاورمیانه به کشورهای کوچک قبیله‌ئی - قومی ست که در حال جنگ بایکدیگرند.

دشمنان درجه دو (با اولویت متوسط) امریکا:

(۱) - **کوبا**، به دلیل سیاست‌های مستقل خارجی و سیستم اجتماعی و اقتصادی جای‌گزین خود در تضاد با رژیم‌های نئولیبرال امریکامحور در کارائیب، امریکای مرکزی و جنوبی قرار می‌گیرد.

(۲) - **لبنان**، به دلیل موقعیت ستراتیژیک خود در (منطقه) مدیریتانه و آرایش قدرت دولت ائتلاف با حزب سیاسی، حزب الله، که جهت حفاظت از استقلال ملی لبنان از طریق دفع ارتش متجاوز اسرائیل و کمک به شکست مزدوران داعش/القاعده در کشور همسایه سوریه، و به دلیل اثبات توانائی میلشای خود، نفوذ روزافزونی در جامعه مدنی لبنان دارد.

(۳) - **یمن**، به دلیل استقلال خویش، جنبش ملی گرا بهر هبری حوثی‌های مخالف دولت دست‌نشانده تحمیل شده سعودی و همچنین روابط خود با ایران.

دشمنان درجه سه (با اولویت کم تر) امریکا

(۱) - **بولیوی**، به دلیل اتخاذ سیاست خارجی مستقل خود، حمایت از دولت چاوزیستی در ونزوئلا و هواداری از اقتصاد متنوع؛ ثروت معادن و دفاع از ادعاهای ارضی مردم بومی.

(۲) - **نیکارگونه**، به دلیل اتخاذ سیاست خارجی مستقل خود و انتقاد از تجاوز امریکا علیه کوبا و ونزوئلا.

دشمنی امریکا نسبت به دشمنان با اولویت بالا (درجه یک) از طریق تحریم های اقتصادی، محاصره نظامی، تحرکات و جنگ های تبلیغاتی شدید نسبت به جمهوری دموکراتیک خلق کوریا، روسیه، ونزوئلا، ایران و سوریه بیان می شود. امریکا به دلیل ارتباطات قدرتمند بازار جهانی چین، اندکی تحریمات اعمال کرده است. در عوض، امریکا جهت برخورد با چین به محاصره نظامی، تحریک جدائی طلبان و تبلیغات خصمانه شدید متکی می شود.

دشمنان برتر، آسیب پذیری کم و توقعات غیرواقعی

به استثنای ونزوئلا، «دشمنان درجه یک» واشنگتن دارای آسیب پذیری های استراتژیک محدودی هستند. ونزوئلا بدین جهت آسیب پذیرترین است که وابستگی بالایی به درآمدهای نفتی دارد و پالایشگاه های مهمی که در امریکا واقع شده اند، و سطوح بالای بدهی های آن، مشرف به غفلت است. به علاوه، گروه های مخالف داخلی وجود دارند، که همه به عنوان دست نشاندهان امریکا عمل می کنند، و انزوای روبه رشد کاراکاس با امریکای لاتین به دلیل خصومت رهبری شده توسط دست نشاندهان مهم امریکا، ارجنتاین، برزیل، کلمبیا و مکزیکو است.

ایران به مراتب کمتر آسیب پذیر است: قدرت نظامی منطقه ئی استراتژیک قدرتمند آن به کشورهای همسایه و جنبش های ملی – مذهبی مشابهی مرتبط است. علی رغم وابستگی خود به صادرات نفت، ایران بازارهای جایگزینی مانند چین، و آزاد از باج سبیل دادن به امریکا توسعه داده است که به طور نسبی از حملات طلبکاران بنیادی امریکا و اتحادیه اروپا محفوظ است.

جمهوری دموکراتیک خلق کوریا، علی رغم فلج اقتصادی ناشی از تحریم های تحمیلی بر رژیم و جمعیت غیرنظامی آن، «بمب» را به عنوان یک (عامل) بازدارنده در برابر حمله نظامی امریکا دارد و برای دفاع از خود هیچ نگرانی نشان نداده است. خلاف ونزوئلا، نه ایران و نه جمهوری دموکراتیک خلق کوریا با حملات داخلی قابل توجهی از مخالفان داخلی مسلح یا حمایت مالی شده از طرف امریکا روبه رو نیستند. (شاید کوریای شمالی این چنین نباشد که جناب پرفسور پتراس می گوید، اما احتمالاً ایشان نمی داند که در داخل (سبزه ها و بنفش ها و سازمان های غیردولتی – ان جی اوها و برخی از تشکل های به اصطلاح حقوق بشری و...)، و در خارج سازمان مجاهدین خلق، و برخی دیگر از نیروهای راستگرا (تفاله های سلطنت طلب) و حتی به اصطلاح چپ، از جمله برخی از نمایندگان خودخوانده در تبعید اقلیت های کُرد، بلوچ، عرب و غیره از عموسام (کاخ سفید) گرفته تا صهیونیست های اسرائیلی و شیوخ مرتجع عربستان سعودی، امارات و کویت و بحرین و افراد ثروتمند ایرانی و خارجی پول و کمک مادی و معنوی می گیرند، به طوری که خود رهبران شان رسماً اعلام می کنند و این عمل شنیع را ننگ نمی دانند. البته، این انتقاد نه به جهت حمایت از رژیم منفور ج. اسلامی ست و نه جهت افشای اپوزیسیون پنتاگونی – ناتوئی/ایرانی! به قول معروف، آنچه که عیانست چه حاجت به بیان است؟! – م).

روسیه دارای توانائی کامل نظامی – سلاح های هسته ئی، راکت های قاره پیما (آی سی بی ام) و یک نیروی مسلح بزرگ بخوبی آموزش دیده دارد – که جهت جلوگیری از هر تهدید نظامی مستقیم امریکا ست. مسکو از لحاظ سیاسی نسبت به تبلیغات مورد حمایت امریکا، احزاب سیاسی مخالف و سازمان های غیردولتی (ان جی او) مورد حمایت غرب آسیب پذیر است. الیگارش های میلیاردی روسیه، که به لندن و وال استریت متصل هستند، علیه ابتکارات اقتصادی مستقل، مقداری فشار وارد می سازند.

تحریمات امریکا تا درجه محدودی، از وابستگی اولیه روسیه به بازارهای غربی بهره برداری کرد، اما از زمان تحمیل تحریمات سخت و بی‌رحمانه رژیم اوپاما، مسکو با توسل به تنوع بازارهای خود به آسیا و تقویت وابستگی داخلی خود در کشاورزی، صنعت و فن آوری بالا، به طور مؤثری به تعرض واشنگتن پاسخ گفته است.

چین دارای یک اقتصاد جهانیست و در مسیر تبدیل شدن به پیش‌تاز اقتصاد جهان است. تهدیدات ضعیف جهت «تحریم» تنها نشان‌دهنده ضعف واشنگتن است تا این‌که بیجینگ را مرعوب سازد. چین با گسترش قدرت بازار اقتصادی خود، افزایش توانایی نظامی ستراتیژیک خود و طرد وابستگی به دلار با تحریکات نظامی امریکا مقابله کرده است.

کشورهای دشمن درجه یک واشنگتن نسبت به حمله مستقیم آسیب پذیر نیستند: آنها انسجام داخلی و شبکه‌های اقتصادی خود را حفظ می‌کنند و یا افزایش می‌دهند، در حالی‌که با تحمیل هزینه‌های کاملاً غیرقابل قبول بر امریکا، توانایی نظامی خود را جهت هر حمله مستقیم ارتقاء می‌دهند.

در نتیجه، رهبران امریکا مجبوراند که بر حملات تدریجی، ثانوی و نیابتی با نتایج محدود علیه دشمنان درجه یک خود متکی باشند.

واشنگتن تحریمات علیه جمهوری دموکراتیک خلق کوریا و ونزوئلا را با چشم انداز مشکوک موفقیت در گوریای شمالی و احتمال پیروزی در مورد کاراکاس تشدید می‌کند. ایران و روسیه به آسانی می‌توانند بر مداخلات نیابتی غلبه یابند و متحدان امریکا، مانند عربستان سعودی و اسرائیل، می‌توانند فارس‌ها را اذیت و آزار دهند، علیه آنها تبلیغ کرده و آنان را تویخ و سرزنش نمایند، اما آنها از یک جنگ تمام عیار علیه ایران که به سرعت می‌تواند نیروهای ریاض و تل آویو را نابود کند، می‌ترسند و آنها مجبور شده‌اند که باهم کار کنند تا علی‌رغم مخالفت‌های ارتش و مردم خسته از جنگ امریکا، دستگاه (استابلیشمنت) سیاسی فاسد امریکا را تحریک به جنگ نمایند. سعودی و اسرائیل می‌توانند مردم یمن و غزه را که هیچ توانایی جهت مقابله به مثل ندارند، بمباران کنند و گرسنه نگه دارند، اما موضوع برای تهران فرق می‌کند.

سیاستمداران و مبلغان در واشنگتن می‌توانند درباره مداخله روسیه در تئاتر انتخاباتی فاسد امریکا چرند بگویند و از حرکات جهت بهبود روابط دیپلماتیک عقب نشینی کنند، اما آنها نمی‌توانند با نفوذ روزافزون روسیه در خاورمیانه و تجارت در حال گسترش روسیه با آسیا، به ویژه چین جوابی ارائه دهند.

به طور خلاصه، در سطح جهانی، کشورهای دشمن «درجه یک» امریکا غیرقابل دسترس و آسیب ناپذیراند. در میان جنگ سخت نخبگان درون امریکا، ممکن است جهت ظهور هرگونه سیاستمداران منطقی در واشنگتن بیش از اندازه خوشبین بود تا کسانی پیدا شوند که بتوانند اولویت‌های ستراتیژیک و سیاست‌های سنجیده‌ای از سازش مناسب با واقعیت‌های جهانی را بازنگری نمایند.

اولویت‌های متوسط و کم، آسیب پذیری‌ها و انتظارات

واشنگتن می‌تواند مداخله کند و شاید هم خسارت جدی بر کشورهایی با اولویت متوسط (درجه دوم) و کم اولویت (درجه سوم) وارد سازد. با این حال، چندین موانع در برابر حمله تمام عیار (در مقیاس کامل) امریکا وجود دارند.

یمن، کویت، لبنان، بولیوی و سوریه کشورهایی نیستند که بتوانند صف بندی اقتصادی و سیاسی جهانی را شکل دهند. بیشترین کاری که امریکا می‌تواند در این کشورها آسیب پذیر ضمانت کند، تغییرات مخرب رژیم با نابودی

زیرساخت‌ها و کشتار بسیاری از انسان‌ها، و ایجاد میلیون‌ها پناهنده بی‌چاره است... که با یک هزینه سیاسی بزرگ، با بی‌ثباتی طولانی و با ضرر و زیان‌های شدید اقتصادی همراه است.

یمن

امریکا می‌تواند جهت پیروزی کامل رژیم سلطنتی سعودی بر مردم گرسنه، و وبا زده یمن اصرار ورزد. اما، چه کسی نفع می‌برد؟ عربستان سعودی در میان یک تغییر و تحول فاحش در کاخ سلطنتی است و علی‌رغم صدها میلیارد دلار سلاح امریکائی/ناتوئی، مربیان و پای‌گاه‌های نظامی قادر نیست که هژمونی خود را اعمال نماید. و اگرهم اشغال استعماری باشد، پُر هزینه است، که از لحاظ منافع اقتصادی، به ویژه از کشوری فقیر و ویران شده، و از لحاظ جغرافیائی ایزوله مانند یمن، سودی حاصل نمی‌گردد.

کوبا

کوبا دارای یک ارتش قدرت‌مند بسیار حرفه‌ئی است که توسط یک میلیون ملیشای عضو حمایت می‌شود. آن‌ها قادر به مقاومت طولانی مدت هستند و می‌توانند روی حمایت بین‌المللی حساب کنند. حمله امریکا به کوبا نیاز به اشغال طولانی مدت دارد و دارای زیان و ضررهای سنگینی است. دهه‌ها تحریمات اقتصادی کارائی نداشته است و تحمیل دوباره آن‌ها توسط ترمپ بر بخش‌های کلیدی رشد گردش‌گری تأثیری نداشته است.

«خصوصیت نمادین» رئیس‌جمهور ترمپ هیچ اثری بر گروه‌های عمده تجار کشاورزی ندارد، که کوبا را به عنوان بازاری می‌بینند. اکنون بیش از نیمی از به اصطلاح «کوبائی‌های خارج از کشور» مخالف مداخله مستقیم امریکا (در کوبا) هستند.

سازمان‌های غیردولتی حمایت مالی شده توسط امریکا می‌توانند برخی از نکات تبلیغاتی حاشیه‌ئی را ارائه دهد، اما آن‌ها نمی‌توانند حمایت مردمی برای اقتصاد متنوع «اجتماعی»، آموزش و پرورش و مراقبت‌های پزشکی عمومی عالی و سیاست خارجی مستقل کوبا را واژگون سازند.

لبنان

محاصره اقتصادی مشترک امریکا و سعودی، و بمب‌های اسرائیلی می‌توانند لبنان را بی‌ثبات سازند. با این حال، تهاجم طولانی مدت و جنگ تمام عیار اسرائیل منجر به از دست دادن جان یهودیان و تحریک ناآرامی‌های داخلی می‌شود. حزب الله دارای راکت‌هایی است که می‌تواند بمباران‌های اسرائیلی را تلافی کند. محاصره اقتصادی سعودی، ملی‌گرایان لبنانی، به ویژه توده‌های شیعه و مسیحی لبنان را رادیکال می‌کند. «تهاجم» واشنگتن به لیبیا، که در آن حتی یک سرباز امریکائی کشته نشد، نشان می‌دهد که حملات مخرب در دراز مدت، باعث هرج و مرج کاملاً زیاد در سراسر قاره می‌شود.

یک جنگ امریکائی – اسرائیلی – سعودی، لبنان را کاملاً نابود خواهد کرد، اما منطقه را بی‌ثبات می‌کند و جنگ را به کشورهای همسایه – سوریه، ایران و احتمالاً به عراق می‌کشاند. و سیل میلیون‌ها نفر بیش‌تر پناهنده نا امید را روانه اروپا خواهد کرد.

سوریه

جنگ نیابتی امریکا - سعودی در سوریه شکست های جدی خورد و باعث از دست رفتن آبروی سیاسی آن‌ها گردید. روسیه نفوذ، پایگاه‌ها و متحدانی به دست آورد. سوریه حاکمیت خود را حفظ نمود و دارای یک نیروی مسلح ملی باتجربه جنگی گردید. واشنگتن می‌تواند سوریه را تحریم کند، پایگاه‌هایی را در چند منطقه ساختگی «تحت محاصره کردها» به جنگ بیاورد، اما نمی‌تواند فراتر از یک پات (بن بست) پیش‌روی کند و به طور گسترده به عنوان یک مهاجم اشغال‌گر دیده می‌شود.

سوریه آسیب پذیرست و همچنان یک دشمن متوسط (درجه دو) در لیست دشمنان امریکاست، اما جهت پیش‌روی قدرت امپریالیستی، فراتر از برخی روابط محدود با محاصره ناپایدار کردها، چشم اندازهای کمی ارائه می‌دهد، که مستعد به جنگ خونین طرفین، و خطر بزرگ انتقام‌گیری از طرف ترکیه است.

بولیوی و نیکاراگوئه

بولیوی و نیکاراگوئه در لیست دشمنان امریکا، از آزاددهندگان کوچک‌تر (درجه سوم) هستند. سیاستمداران منطقه‌ای امریکا متوجه شده اند که هیچ کشوری برای قدرت جهانی یا حتی منطقه‌ای تمرین نمی‌کنند. به علاوه، هر دو رژیم در عمل سیاست‌های رادیکال را رد کرده اند و با الیگارشی‌های داخلی بانفوذ و قدرت‌مند و شرکت‌های چندملیتی مرتبط با امریکا همزیستی دارند.

انتقادات سیاست خارجی آن‌ها، که اغلب جهت مصرف داخلی هستند، توسط تقریباً کل نفوذ امریکا در سازمان دولت‌های امریکا و رژیم‌های اصلی نئولیبرال در امریکای لاتین خنثی می‌شود. به نظر می‌رسد که امریکا لفاظی‌های این دشمنان حاشیه‌ای را تحمل می‌کند تا این‌که بخواهد خطر فوران احیای جنبش‌های ناسیونالیست رادیکال یا توده‌ای سوسیالیستی را در لاپاز یا ماناگوا تحریک کند.

نتیجه‌گیری

مطالعه مختصر «لیست دشمنان» واشنگتن، آشکار می‌سازد که حتی در میان کشورهای آسیب پذیر شانس محدودی از موفقیت وجود دارد. روشن است، که در این استنتاج از شکل قدرت جهانی، پول و بازارهای امریکا معادله قدرت را تغییر نخواهد داد.

متحدها امریکا، مانند عربستان سعودی، مقادیر هنگفتی از پول صرف حمله به کشور ویران شده می‌کنند، اما آن‌ها در حالی که در جنگ‌ها شکست می‌خورند، بازارها را نابود می‌سازند. دشمنان قدرت‌مند، مانند چین، روسیه و ایران، آسیب‌پذیر نیستند و در آینده قابل پیش بینی به پنتاگون، چشم اندازهای ناچیزی از پیروزی‌های نظامی ارائه می‌دهند. تحریم‌ها، یا جنگ‌های اقتصادی شکست خورده اند و نتوانسته اند که دشمنان را در جمهوری دموکراتیک خلق کوریا، روسیه، کوبا و ایران رام کنند. «لیست دشمنان» برای امریکا به قیمت از دست دادن اعتبار، پول و بازارها - یک ترازنامه بسیار ویژه، هزینه برداشته است. روسیه اکنون در تولید و صادرات گندم از امریکا فراتر رفته است. گذشت آن‌روزهایی که صادرات کشاورزی امریکا بر تجارت جهانی از جمله تجارت با مسکو برتری داشت. نوشتن لیست دشمنان آسان است، اما سیاست‌های مؤثر جهت مقابله با رقابتی که دارای اقتصادهای پویا و آمادگی‌های نظامی قدرت‌مند هستند، دشوارست.

امریکا در صورتی می‌تواند مقداری از اعتبار از دست رفته خود را باز یابد، که در درون محدوده واقعیت های جهانی عمل کند و به جای این‌که در یک بازی کاملاً رقابتی یک بازنده ثابت قدم باقی بماند، از یک دستورکار بُرد – بُرد پیروی نماید.

رهبران منطقی می‌توانند توافقات تجارتي دوجانبه ای را با چین برقرار سازند، که فن آوری پیشرفته، روابط مالی، کشاورزی و تجارتي را با تولیدکنندگان و خدمات توسعه می‌دهند. رهبران منطقی می‌توانند توافقات مشترک صلح و اقتصادی را در خاورمیانه توسعه دهند، و واقعیت محور مقاومت (ائتلاف) روسیه - ایران – حزب الله لبنان و سوریه را به رسمیت بشناسند.

همان‌گونه که دیده می‌شود، «لیست دشمنان» واشنگتن همچنان نوشته می‌شود و توسط رهبران غیرمنطقی، دیوانه های حامی اسرائیل و روس هراس خود در حزب دمکرات – بدون قبول واقعیت های موجود تحمیل می‌شود. برای امریکائی‌ها، لیست دشمنان داخلی بلند و به خوبی شناخته شده است، چیزی که آن‌ها فاقد آن هستند، یک رهبریت سیاسی غیرنظامی جهت جایگزین ساختن این مجموعه از رهبران فریبکارست.

درباره نویسنده:

جیمز پتراس، استاد بارنل (بازنشسته) جامعه شناسی دانشگاه بینگهامتون، در نیویورک است.

برگردانده شده از:

America's Enemies, Who's On the List?

Prospects and Perspectives

By Prof. James Petras

<http://www.informationclearinghouse.info/48275.htm>

<https://petras.lahaine.org/us-enemy-list-prospects-and-perspectives/>